

سرمقاله

حکایت دو بند زندان

مراد شیرین

m_shirin@yahoo.com



در روز ۱۰ دی ۱۳۸۱، بند کارگری ی زندان امیرآباد گرگان آتش گرفت. سه روز طول کشید تا کارگران آتش نشانی شعله‌ها را مهار کرده و وسعت خسارت‌ها بررسی شده در این تراژدی ی دردناک انسانی آشکار شد.

تعداد رسمی کشته شدگان ۲۷ نفر و مجروحین ۹ نفر اعلام شده، ولی برخی منابع تعداد مجروحین را ۲۰۰ نفر تخمین می‌زنند. میزان بالای کشته شدگان و مجروحین به دلیل تراکم شدید، عدم توجه به اصول ایمنی و بهداشتی، منجمله استفاده از تیر چوبی در سقف بود. بسیاری از زندانیان این بند را جوانان خانواده‌های کارگری، که از سوی «دادگاه‌های انقلاب» به دلیل «جرم‌های جزئی» محکوم شده‌اند، تشکیل می‌دادند.

بقیه در صفحه ۲

مرحله احتضار سرمایه داری انحصاری (۵)

تناقضات مرتضی محیط

م. رازی

Razi@kargar.org

مرحله چهارم

احتضار سرمایه داری انحصاری پسین

تولید کالاها ی مصرفی در بازارهای پیرامونی

امپریالیزم عبارت است از مرحله احتضار سرمایه داری انحصاری یا «سرمایه داری پسین». دوران کلاسیک امپریالیزم با جنگ جهانی اول خاتمه یافت. از آن پس نظام جهانی سرمایه داری با بحران عمیقی روبرو بوده است. وجه مشخصه بحران نظام جهانی ظهور انقلاب‌ها و جنگ‌های خاتمانسوز است. جنگ‌های اول و دوم جهانی؛ انقلاب‌های روسیه، چین و کوبا و اعتصاب‌های کارگری گسترده در سراسر جهان؛ طغیان‌های کارگری در اسپانیا و ایتالیا و فرانسه نشانگر این انحطاط در سیستم جهانی بود (۱۹۱۷-۱۹۷۰).

بقیه در صفحه ۲

روابط زن و مرد

تبعیض جنسی

ریشه‌های آن در خانواده و اجتماع

صفحه ۴

سارا قاضی

سر دبیر: م. رازی

زیر نظر هیئت تحریریه

<http://www.kargar.org>

BM Kargar, London WC1N ۳XX, UK

ص ۶

ریاکاری آمریکا
در مورد گزارشات عراق در زمینه اسلحه

اخبار کارگری در یک ماه گذشته ص ۶

حکایت دو بند زندان

بقیه از صفحه ۱

نحوه‌ی حبس آنان تفاوت فاحشی با چگونگی رفتار با افراد «خودی»ی رژیم دارد! بند زندان اوین که «اصلاح طلبان» و دیگر مخالفان «داخلی» در آن بسر می‌برند با بند کارگریی زندان امیرآباد از زمین تا آسمان تفاوت دارد - و حتی با سایر بندهای اوین! این بند آنقدر خوش آیند بوده که لقب «دانشگاه» به آن داده شده است! در اینجا اپوزیسیون وفادار به رژیم انواع و اقسام امکانات مورد نیاز را برای توسعه‌ی تئوری‌های ورشکسته و تعلیم کادرهای خود دریافت می‌کند. آنها به «ورزش مرتب، تلویزیون، رادیو و کتاب» (تایمز مالی، ۲۵ اوت ۲۰۰۱) دسترسی دارند. چند ماه پیش اکبر گنجی «مانیفست جمهوریخواهی» ۱۲۱ صفحه‌ای خود را در زندان اوین نوشت. با اینکه ما از حق زندانیان «اصلاح طلبان»، و تمامی زندانیان سیاسی، دفاع می‌کنیم، ولی می‌بایست یک سؤال مهم را بپرسیم: چه تعدادی از زندانیان به این نوع امکانات دسترسی دارند؟

برای کارگران، دانشجویان و دیگر اقشار تحت ستم مانند سابق، و صرفاً به دلیل اینکه آنها جرئت آن را داشته‌اند که در برابر این رژیم وحشی ایستادگی کرده و خواستار حقوق ابتدایی خود شوند، شکنجه ادامه دارد. از زمانی که «سیا» شاه را با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر سر کار بازگرداند، اسم اوین با شکنجه و اعدام، به خصوص در مورد زندانیان سیاسی، مترادف بوده است. رژیم اسلامی بسیاری از ارگان‌ها و ابزار اختناق شاه را تحویل گرفته و با پوشش «اسلامی» آنها را مورد استفاده قرار داده است. این رژیم این «سنت» اوین را - البته با شدتی بیشتر - ادامه داده است. اوین همواره محل شکنجه، آزار و کشتار مرتب و سیستماتیک زندانیان سیاسی بوده است، منجمله کشتار جمعی پس از اتمام جنگ ایران و عراق.

چه در داخل یا چه در خارج از زندان، در جامعه‌ی سرمایه‌داری بر علیه کارگران و کارکنان همیشه تبعیض قابل می‌شود. در جامعه‌ی سرمایه‌داری کارگران انتظار عدالت را نمی‌توانند داشته باشند. با اینکه شایعاتی در مورد دلیل بروز این آتش وجود دارند، یک مسئله از اکنون واضح است: مقامات زندان هیچ اهمیتی در مورد جان کارگران جوانی که در بازداشت هستند، قابل نیستند. تعداد کشته شدگان و مجروحین به طور بارز این واقعیت را نشان می‌دهد.

با وجود بیکاری وسیع، که عموماً به عنوان مشکل اصلی رژیم حساب می‌شود، و تمام دیگر مسایل اقتصادی و اجتماعی‌ای مانند تورم، حقوق معوقه، عدم وجود امکانات اجتماعی و غیره، که بر طبقه کارگر بیشتر از هر طبقه یا قشری اثر دارند، ما شاهد حبس تعداد بسیار زیادی از فرزندان خانواده‌های کارگری در جاهایی مانند بند کارگریی زندان امیرآباد خواهیم بود.

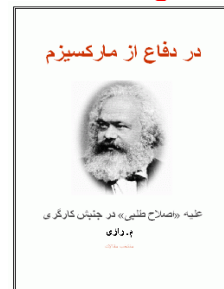
مسئولیت این آتش سوزی که منجر به کشته شدن کارگران در امیرآباد گرگان شد بر عهده رژیم است.

۲۰ دی ۱۳۸۱ - ۱۰ ژانویه ۲۰۰۳

«نشر کارگری سوسیالیستی»

http://www.kargar.org/Nashr/nashriat_marxism.htm

در دفاع از مارکسیزم م. رازی



منتشر شد!

احتضار سرمایه داری انحصاری پسین

بقیه از صفحه ۱

امپریالیزم که تمام بحران‌ها و جنگ‌ها را به دول شوروی و اروپای شرقی نسبت می‌داد، با فروپاشی شوروی و «بلوک شرق»، نوید «صلح» و آرامش را سر داد؛ در سالهای پیش نشان داده شد، که امپریالیزم بدون جنگ افروزی و کشتار مردم سایر نقاط جهان قادر به ادامه حیات اقتصادی نیست. تهاجمات نظامی به یوگسلاوی، افغانستان و حمله نظامی احتمالی به عراق (۱۹۹۰-۲۰۰۲) همه نمایانگر مرحله انحطاط این نظام جهانی است. در این مرحله تمام تضادهای نظام امپریالیستی برجسته تر از پیش می‌شود. علل اصلی جنگ افروزی‌ها اینست که سرمایه داری پسین با بحران دائمی اشباع انباشت روبرو است. این وضعیت رقابت شدیدتر از پیش برای کسب سودهای افزونه انحصاری را طلب می‌کند. در این مرحله بر خلاف دوران پیش (عصر کلاسیک امپریالیزم)، ضمن به قوت باقی ماندن تمام قوانین حرکت و تضادهای سرمایه داری جهانی؛ شیوه عملکرد سرمایه داری نسبت به سایر نقاط جهان، تغییر می‌کند.

چنانچه در عصر کلاسیک امپریالیزم؛ مسیر دخالتگری، صدور سرمایه به کشورهای پیرامونی بود؛ در دوره جدید؛ تمرکز اصلی بر محور تولید کالاهای مصرفی برای بازارهای بومی این کشورها است. این روند به تشدید عقب افتادگی در کشورهای محیطی منجر شد. بیشتر توضیح می‌دهیم:

اول؛ در این دوره با توسعه و گسترش تولید صنایع؛ تولید مواد خام مصنوعی در کشورهای پیشرفته صنعتی، فراهم آمد. صدور سرمایه از کشورهای وابسته به خود کشورهای متروپل تغییر جهت داد. نیروی کار ارزان کشورهای پیرامونی دیگر منطبق با استفاده وسیع از تکنولوژی صنعتی نبود. در نتیجه تولید مواد خام مصنوعی (الیاف مصنوعی؛ لاستیک، پلاستیک و غیره) در کشورهای متروپل جایگزین مواد خام در کشورهای پیرامونی گشت.ⁱⁱ نتیجه این تغییرات منجر به انتقال حوزه عمل سرمایه خارجی از مواد خام به مافاکتور شد. در نتیجه، جهت مداخلات امپریالیزم نسبت به کشورهای دیگر جهان تغییر کرد.

دوم؛ بر خلاف دوره پیش که بازارهای درونی کشورهای عقب افتاده جذابیت خاصی از منظر امپریالیزم نداشت؛ در دوره اخیر با رشد قشرهای پردرآمد مصرف کننده، بازار این کشورها مورد توجه کشورهای متروپل قرار گرفت. سریعترین روش برای کنترل بر بازار این کشورها و همچنین از میان برداشتن رقبای دیگر امپریالیستی که کالاهایشان در بازارها عرضه داده می‌شد، تولید در آن کشورها بود. در این مرحله، سرمایه خارجی همراه با بورژوازی بومی بخش‌های مهم بازار را به خود اختصاص دادند. رشد فوق العاده در صنایع مونتاژ در این دوره نمایانگر این تحولات نوین است. همزمان با تولید کالاهای مصرفی مبادله نابرابر میان کشورهای متروپل و پیرامونی تشدید شد. زیرا «محصول کار» در کشورهای متروپل بار آورتر از محصول کار در کشورهای عقب افتاده، بود. از اینرو به شکلی انتقال «ارزش» از کشورهای عقب افتاده به کشورهای صورت گرفت. اضافه بر این نظام جهانی امپریالیستی تساوی میزان سود در سطح بین المللی را به ضرر کشورهای عقب افتاده تغییر داد. در نتیجه؛ وابستگی اقتصادی را هرچه بیشتر تشدید داد. در دوره پیش؛ برای نمونه در آستانه جنگ جهانی اول (۱۹۱۷) در آمد سالانه بریتانیا از سرمایه گذاری خارجی ۲۰۰ میلیون استرلینگ تخمین زده شده بود و سود حاصل از مبادله نابرابر ۱۳۰ میلیون استرلینگ بود. اما؛ در سالهای ۱۹۶۰-۱۹۷۰ ضرر سالانه کشورهای عقب افتاده به علت مبادله نابرابر ۲۲ میلیارد دلار بوده، در صورتی که در آمد کشورهای متروپل از سرمایه گذاری‌های خصوصی ۱۲ میلیارد دلار بود.ⁱⁱⁱ

سوم؛ بخش ۲ (بخش تولید کالاهای مصرفی) به علل فوق رونق حاصل کرد، اما در بخش ۱ (بخش تولید وسایل تولید) رشد، محدود باقی می‌ماند. عدم وجود مبادله بین این دو بخش اقتصادی، منجر به تحدید رشد نیروهای مولده می‌گردد. همچنین کالاهای مصرفی تولید شده به

تعریف او از سرمایه داری میگذارد. برای این کار بهتر است نوشته های اقتصادی او را از ابتدا یعنی از "یادداشت های اقتصادی - فلسفی ۱۸۴۴" او دنبال کنیم... پس از بررسی نظریات مارکس در سال ۱۸۴۴، ایشان نتیجه گیری می کنند که:

«هنگامی که مارکس صحبت از شیوه تولید سرمایه داری میکند. مرادش سرمایه داری صنعتی است نه سرمایه داری تجاری یا ربانی. درک این مسئله کلید درک تحلیل علمی و منطقی نظام سرمایه داری و شیوه تولید سرمایه داری است.»^{vi}

در قابلیت کارل مارکس و تحلیل های وی در مورد نظام سرمایه داری نمی توان تردیدی داشت. اما، آیا می توان از نظریات ۱۶۰ سال پیش حتی «متفکر و اقتصاد دان»^{vii} مانند کارل مارکس به این نتیجه رسید که از آنجایی که وجه تولید سرمایه داری در ایران کاملاً منطبق با مترادف با تعریف کلاسیک از «سرمایه داری» نیست، بنابراین وجه تولید پیشا-سرمایه داری (غیر سرمایه داری) در آن حاکم بوده، و همانطور که مارکس در مورد بورژوازی «ملی» قرن ۱۹ ارزیابی داشته مبنی بر اینکه: «کشوری که از نظر صنعتی پیشرفته تر است تنها تصویر آینده کشور کم پیشرفته را نشان می دهد»؛ در نتیجه «مبارزات رهایی بخش» ضد استبدادی و ضد امپریالیستی برای «انقلاب دمکراتیک» توسط بورژوازی، در دستور روز قرار گرفته؛ تا «تصویر آینده» ایران را در کشوری مانند ژاپن به نمایش گذارد؟!

آیا واقعاً به زعم مرتضی محیط مسئله بر سر «بد فهمی» عقاید کارل مارکس در سال ۱۸۴۴ است که مارکسیست های انقلابی را امروز در جبهه «اصلاح طلبان» رژیم در ایران قرار نمی دهد؟ برای جلوگیری از اتلاف وقت گرانبهای مرتضی محیط، از پیش اعلام می شود که تمام نظریات مارکس در مورد سرمایه داری کلاسیک مورد تأیید ما نیز هست.

برخورد بر نظریات «اقتصاد دان»ی مانند کارل مارکس در وضعیت کنونی، مانند اینست که از یک انسان شناس «متفکر» در مورد تعریف یک انسان سؤال شود. و این «متفکر» نیز مسائلی را که مورد تأیید همگان در مورد ترکیب ساختاری انسان و خصوصیات فیزیکی و اخلاقی آن و اینکه هر نوزادی نهایتاً به بلوغ رسیده و «تصویر آینده» اش همان انسان بالغ است، را به درستی توضیح می دهد. حال فرض شود که در یک وضعیت غیر عادی، انسانی متولد گشته که ناقص الخلقه (کوتوله) بوده و تا حد بلوغ کامل تکامل یافته و برخی از خصوصیات یک انسان را به شکل ناقص دارا باشد. و همچنین فرض شود که آن انسان شناس «متفکر» دیگر در قید حیات نباشد که این پدیده ویژه را توضیح دهد. تکلیف چیست؟ راه حل آکادمیسین های اسکولوستیک (مکتب گرا و دکماتیک) این است که تنها به تکرار مکررات پرداخته و همه را به توضیحات انسان شناس متفکر رجوع داده و با قسم و آیه همه را متقاعد کنند که این موجود ناقص الخلقه و کوتوله «بر اساس تحقیقات علمی» انسان شناس همان طفلی است که قرار است پس از دوره ای به بلوغ رسیده و «تصویر آینده» انسان شود! برخورد نظری مرتضی محیط در مورد بورژوازی ایران نیز اینگونه است. ایشان توجه نمی کنند که سخنان درست کارل مارکس در مورد بورژوازی بومی (طفل) در مبارزه علیه استبداد و سرمایه داری انحصاری در قرن ۱۹ با وضعیت بورژوازی امروز (اعجوبه)، کاملاً متفاوت است (گرچه اصول تحلیل های مارکس در مورد سرمایه داری و امپریالیزم کماکان به قوت خود باقی است و بارها صحت آن به نمایش گذاشته شده است).^{viii}

مرتضی محیط دقت نمی کند که با فرارسیدن عصر امپریالیزم و سرمایه داری انحصاری، شرایطی که کارل مارکس در سال ۱۸۴۴ از آن در مورد بورژوازی کشورهای پیرامونی سخن می گفت، بکلی تغییر کرده است. از آن پس، عملکرد بازار جهانی سرمایه داری دیگر انکشاف «طبیعی» سرمایه داری را تسهیل نکرد، بلکه آن را به تعویق انداخت، بخصوص صنعتی شدن تمام و کمال کشورهای «عقب افتاده». فرمول مارکس مبنی بر اینکه «کشوری که از نظر صنعتی پیشرفته تر است تنها تصویر آینده کشور کم پیشرفته را نشان می دهد»، ارزش خود

رغم استفاده از نیروی کار ارزان، تغییر تعیین کننده ای در صادرات این کشورهای ایحاد نمی کند و کالاهای عمدتاً برای مصرف داخلی باقی می ماند.

چهارم؛ گسترش بخش ۲ (بخش تولید کالاهای مصرفی) بدون گسترش بازار درونی منجر به انحصاری شدن سریع تولید گشته و این امر به نوبه خود بحران همیشگی اشباع انباشت و محدود ماندن رشد صنعتی را به دنبال خواهد آورد.

عوامل بالا باعث تشدید ناموزونی بیشتر در سطح جهانی می گردد. به سخن دیگر دخالت های این دوره امپریالیزم منجر به پیدایش نوع ویژه ای از سرمایه داری می گردد. سرمایه داری ناقص الخلقه (و غیر عادی). در این دوره بر اساس نیاز های مرحله ای امپریالیزم حکومت های وابسته از لحاظ سیاسی (یا مستقیم) و به حکومت های غیر مستقیم تغییر شکل می دهند. موقعیت این کشورها، از کشورهای استعماری (دوره کلاسیک امپریالیزم) به شیوه استعماری (دوره سرمایه داری پسین) تغییر می یابد.^{iv} امپریالیزم، کشورهای عقب افتاده را دیگر نیازمند به سرمایه های صادراتی کشورهای مترویل نکرده، بلکه آن کشورها را متکی به زمینه ریزی برای جذب وسایل تولیدی اشباع شده خود، می کند. در این دوره برای ایجاد تسهیلات ضروری برای چنین زمینه ریزی، سرمایه ها نه به شکل «صادرات» بلکه به صورت وام های درازمدت و یا کمک های بلا عوض به کشورهای پیرامونی داده می شود. نقش «سازمان بین المللی پول» و نهادهای مشابه، در این دوره تضمین نیازهای کنونی امپریالیزم است. بدین ترتیب با کمک های فوق، دولت ها و سرمایه داری بومی ناقص الخلقه (ساخته شده توسط امپریالیزم) این کشورها، زیر بنای اقتصادی (سیستم باتکی، ترانسپورت و غیره) را برای جذب کالاهای کشورهای مترویل، بنیاد می نهند.

اگر در دوره پیش ترکیب طبقاتی هینت حاکم در کشورهای عقب افتاده از زمینداران بزرگ، تجار و نزول خوارها، برای تأمین نیازهای مرحله ای امپریالیزم، شکل می گرفت؛ امروز بورژوازی «صنعتی» ملی و اقلشار فوقانی خرده بورژوازی چنین نیازی را برآورده می کنند. نزول خواران به بانکدارها و زمینداران به صاحبان مانوفاکتورها؛ تبدیل گشته اند. اما، به علت ضعف بورژوازی ناقص الخلقه بومی، قدرت اصلی برای پیشبرد مقاصد امپریالیزم در دست دولت قدرتمند متمرکز می گردد. در این دوره مرز بین سرمایه داری «بومی» و «کمپرادور» موجود در مرحله کلاسیک امپریالیزم، از میان رفته و دولت های سرمایه داری منحن همراه با بورژوازی ناقص الخلقه، وابستگی اقتصادی خود را به امپریالیزم حفظ می کنند. در این دوره انقلاب های کلاسیک «بورژوا دمکراتیک» سپری گشته، زیرا که سرمایه داری خود در قدرت قرار گرفته است. مبارزات مردم ستمدیده این کشورها برای رهایی از یوغ امپریالیزم با مبارزات علیه سرمایه داری بومی پیوند خورده است. زیرا بورژوازی ایران در هر لباسی که ظاهر گردد، خود توسط امپریالیزم بر این جوامع تحمیل گشته و در جبهه سرمایه داری جهانی قرار گرفته است. در نتیجه در این جوامع همواره مطالبات دمکراتیک با خواسته های ضد سرمایه داری گره خورده است.^v

این است ویژگی دوران کنونی نظام جهانی سرمایه داری و تأثیرات آن بر کشورهای «محیطی».

استدلال های مرتضی محیط و ویژگی عصر سرمایه داری پسین

مرتضی محیط در مقالات مختلفی برای اثبات نظریات خود مبنی بر اینکه در کشوری مانند ایران وجه تولید سرمایه داری غالب نبوده و آن جامعه نیز همانند جوامع اروپایی قرن ۱۷ و ۱۸ آبستن انقلاب های «بورژوا دمکراتیک» است، اشاره می کند که:

« برای اینکه وارد بحث ساخت جامعه شویم، ابتدا باید مقولاتی چون سرمایه و سرمایه داری را تعریف کنیم... از آنجا که جستجوهای چندین سال گذشته، مرا به این نتیجه رسانده است که هیچ متفکر و اقتصاددانی، نظام سرمایه داری را منطقی تر، عمیق تر و علمی تر از مارکس نشکافته است بنابراین بحث خود را برپایه

ریشه های آن در خانواده و اجتماع

در بخش پیشین به این نتیجه رسیدیم که زمینه تبعیض جنسی در خانواده در حقیقت در اجتماع پرورانه شده و ارتباط مستقیم با فرهنگ حاکمی دارد که بر جامعه مستولی است.

در بخش ۱ این سری بحثها به نوع تبعیض جنسی حاکم بر جوامع آمریکا و اروپا اشاره کردیم و در بخش پیشین به تأثیر ناخودآگاهی که فرهنگ غالب در جامعه ایران بر طرز تفکر ما گذاشته و باعث ایجاد تبعیض جنسی از سنین پایین بین دختر و پسر میشود، پرداختیم.

تفاوتی که بین آن کشورها و تفاوتی که بین آنها با کشور ما در میزان و نوع تبعیض جنسی نسبت به زن وجود دارد، ارتباط مستقیم با نوع فرهنگی دارد که رژیم های حاکم بر کل جامعه - اعم از زن و مرد، کودک و بزرگسال - دیکته و تحمیل میکنند.

شاید باور کردن آن کار مشکلی باشد، اما حقیقت اینست که توده مردم این جوامع ۲۴ ساعته تحت جو تبلیغاتی زندگی میکنند که نظام حاکم برای شست و شوی مغزی و کاتالیزه کردن افکار آنها طرح ریزی کرده است. مثلاً در ایران، آنانکه دوران رژیم گذشته را به خاطر میاورند، همچنین خوب بخاطر میاورند که چگونه تبلیغات از طریق برنامه های رادیو و تلویزیون و نیز روزنامه ها و مجلات و آموزش و پرورش، افکار مردم را به طرف «مدرن شدن» سوق میداد. انواع لباسها، وسایل خانگی و اتومبیل های سواری از خارج وارد میشد و مردم سعی میکردند تا نه تنها طرز لباس پوشیدن و آرایش کردنشان «مدرن و غربی» باشد، بلکه از سبک حرف زدن گرفته تا نوع خدمتکار و طریقه پختن و نگهداری حتی غذاهای ایرانی، از غربی ها هم غربی تر باشند.

در حالیکه هنوز طبق قانون، اجازه مسافرت زن با شوهر و اجازه مسافرت دختر با پدر بود، اما از آنجاییکه رژیم در برنامه های «دروازه های تمدن» اش خواهان هرچه «مدرن» تر شدن جامعه شهری ایران بود، زنان بسیاری به خارج مسافرت میکردند و دختران بسیاری برای تحصیل از کشور خارج میشدند. اما همین زنان اگر تقاضای طلاق میکردند، در دادگاه های خانواده (که همواره زیربنای اسلامی داشت) مورد اهانت قاضی و سایر افراد حاضر در دادگاه قرار گرفته و بقدری کارشان طولانی میشد که یا عاقبت مسئله را رها میکردند و یا با باج دادن حق طلاق میگرفتند. اما کار در این مرحله تمام نمیشد! زن از دادگاه به محضر طلاق باید میرفت و در محضر طلاق اگر مرد حضور نمییافت که سوره طلاق را بخواند، زن هرگز نمیتوانست مطلقه شود. در اصل، آزادی های اعطا شده به زن بقدری ظاهری و پوچ و بی معنی بود که در عمل زنان را بر علیه رژیم برانگیخت. هرگونه مبارزه ای در برابر اینگونه بی عدالتی ها بشدت بوسیله رژیم گذشته سرکوب میگردد.

در آن دوران، نه تنها هیچگونه صدای مخالفی از دستگاههای خبری رژیم پخش نمیشد، بلکه تمام صداهای مخالف در گلو خفه میشد. به همانقدر که مردم ایران با نام و چهره و سابقه هنرپیشگان هالی وود آشنایی داشتند با مبارزان و پیشگامان راه آزادی کشور خود غریبه بودند. دلیل آن هم صرفاً و مستقیماً با امر تبلیغات و رساندن آگاهی در سطح جامعه گره خورده بود. هزاران انسان آگاهی که در آن زمان به این مسایل پی برده و در راه مبارزه با آن، با هر وسیله ای که در اختیار داشتند، جنگیدند، در کمال سکوت یا در زندانها و شکنجه گاه های ساواک جان سپرده و یا به دم تیر اعدام رفتند، اما کسی نام آنها را نشنید و از وضع و دلیل از بین رفتن آنها با خبر نشد. زنده یادان گمنامی که خاطره اشان هرگز از یاد عزیزان و نزدیکانشان نخواهد رفت. تنها سالها بعد، در پی انقلاب شد که عموم مردم با نام و چهره برخی از آنان آشنا گشتند.

منتهی آنچه که نظام های دیکتاتوری در طول تاریخ بشر نخواستند اند بفرهمنند. یا میفهمند منتهی آن دم را غنیمت می شمارند. اینست که حتی در بهشت برین هم هیچ انسانی تن به ستم و خفگان و بیدادگری نمیدهد. بهشت انسان آنجا است که آزادی واقعی اش تضمین شده باشد؛ بهشت انسان آنجا است که در آن هیچ انسانی قادر نباشد و ابزار آنرا نداشته باشد که به انسان دیگر ستم روا دارد؛ بهشت آنجا است که انسان روح آزادش به

را که در سراسر عصر سرمایه داری رقابت آزاد حفظ کرده بود، از دست داد. زیرا این جوامع در نظام جهانی سرمایه داری ادغام شده اند. وجه تولید غالب در این جوامع، بر اثر دخالت های امپریالیستی، تعیین و تحمیل گشته است. در درون وجه تولید سرمایه داری غالب تحمیلی، مناسبات پیچیده پیشا سرمایه داری (شبه فئودالی)؛ شبه سرمایه داری و سرمایه داری مشاهده می شود. این مناسبات پیچیده توسط دولت های سرمایه داری ناقص الخلقه به شکل اندام وارنه به اقتصاد جهانی پیوند خورده است.

همانطور که در بالا به تفصیل اشاره شد؛ عوامل اساسی تعیین کننده این تغییر بنیادی در عملکرد اقتصاد سرمایه داری بین المللی از قرار زیر بودند:

«الف» مقدار تولید انبوه بسیاری از محصولات بوسیله کشورهای امپریالیستی به معنی آن بود که این کشورها، چنان برتری ای در بارآوری کار و قیمت خرده فروشی بر تولید سرمایه داری نوپا در کشورهای عقب افتاده کسب کرده اند که کشورهای عقب افتاده دیگر نمی توانند به تولید در مقیاس بزرگ دست زنند، و دیگر تاب تحمل جدی رقابت با محصولات خارجی را ندارند. از این پس این صنایع غربی (و بعداً همچنین ژاپن) بود که بطور روزافزونی از خانه خراب شدن سریع صنایع پیشه وری و خانگی و کارگاهی در کشورهای اروپای شرقی، امریکای لاتین، آسیا و آفریقا بهره مند میشد.

ب) اکنون سرمایه افزونه که بطور کمابیش دانم در کشورهای سرمایه داری صنعتی شده وجود داشت، و بسرعت تحت کنترل انحصارات در می آمد، جنبش وسیعی را در جهت صدور سرمایه به کشورهای عقب افتاده به حرکت در آورد. سرمایه صادراتی در کشورهای عقب افتاده زمینه هایی از تولید را رشد داد که مکمل صنایع غرب بودند و نه در رقابت با آن. بدین ترتیب این چیرگی سرمایه ی خارجی به اقتصاد این کشورهاست که آنها را متخصص در تولید مواد غذایی میکند. بعلاوه، چون این کشورها بتدریج به کشورهای مستعمره و شبه مستعمره تبدیل میشوند، دولتهای آنها، در درجه اول از منافع سرمایه ی خارجی دفاع میکنند. بنابراین، دولتهای این کشورها حتی اقدامات نیم بندی هم برای حمایت از صنایع در حال ظهور کشور در برابر رقابت کالاها و وارداتی نمی کنند.

ج) سلطه ی سرمایه ی خارجی بر اقتصاد کشورهای وابسته وضع اقتصادی و اجتماعی ای را بوجود می آورد که در آن دولت منافع طبقات حاکمه قدیمی را حفظ و تحکیم می کند، و آن را با منافع سرمایه امپریالیستی مرتبط می سازد، بجای آنکه آنها را به همانگونه که در انقلابات بورژوادموکراتیک کبیر اروپای غربی و ایالات متحده انجام شد، قاطعانه نابود سازند.

این تکامل نوین اقتصاد سرمایه داری بین المللی در عصر امپریالیزم را میتوان در قانون انکشاف مرکب و ناموزون جمع بندی کرد. ساختار اقتصادی و اجتماعی در کشورهای عقب افتاده - یا حداقل در بیشتر آنها - نه وجوه مشخصه یک جامعه فئودالی را دارد و نه وجوه مشخصه یک جامعه سرمایه داری را. در اثر سلطه سرمایه امپریالیستی وجوه مشخصه این جوامع بگونه ای استثنائی ترکیبی است از وجوه مشخصه فئودالی، شبه- فئودالی، شبه- سرمایه داری و سرمایه داری.

نیروی اجتماعی حاکم، نیروی سرمایه است. اما این معمولاً سرمایه خارجی است. بنابراین بورژوازی بومی قدرت سیاسی را در دست ندارد. عمده جمعیت را نه مزد بگیران تشکیل میدهند و نه سرف ها، بلکه جمعیت متشکل است از دهقانانی که به درجات مختلف مورد چپاول شبه- فئودال ها، زمینداران شبه- سرمایه دارها، ربا خواران، تجار، و مأمورین مالیات هستند. اگر چه این توده عظیم تا حدودی از تولید تجاری و حتی پولی به دورند، باز هم از تأثیر نوسانات مخرب قیمت مواد خام در بازار جهانی امپریالیستی، از طریق تأثیر این نوسانات بر اقتصاد ملی رنج میبرند.»^{ix}

ادامه دارد

بیست و نه آذر هزار و سیصد و هشتاد و یک

تبعیض جنسی

پرواز در آید و امکان تجربه آزادانه و آموزش بدون قید و بند داشته باشد تا خلاقیتش به کار آفتد و توانش در راه سازندگی بالا رود و در نتیجه، در مورد خود، نه تنها احساس خود کم بینی و سرافکندگی نداشته باشد که در اجتماع اطرافش محترم و سربلند باشد؛ بهشت آنجا است که تمام انسانها از نعمتهایی که خود انسان در طبیعت کشف کرده و به آن دست یافته، به یکسان بهره مند گشته و لذتهای زندگی بر پایه نیازشان نصیب همه انسانها گردد. لذا در دوران رژیم گذشته، همزمان با تبلیغات مزدورانه رژیم شاه، توده مردم، بخصوص جوانان، برحسب طبیعت و بر اثر فشاری که دیکتاتوری حاکم برای سلب آزادی فکر و روح انسان وارد میآورد، بلافاصله در پی ظهور آلترناتیوی در برابر آن دیکتاتوری به آن روی آورده و به امید رسیدن به آنچه که از آنها بی رحمانه سلب شده بود، به آن آلترناتیو پناه بردند. شخصیت ها و جریانهای مذهبی ای که با تکیه بر «اسلام علوی» نوید دنیای بهتری را دادند، در واقع مسنول این گمراهی هستند.

زنان ایران که بیش از نیمی از مردم مبارز و انقلابی دوران انقلاب بودند با اهداف والایی در انقلاب شرکت کردند. زنان ما که در کنار «مردن» شدن خود، همواره ستم جنسی را بر تار و پود خود حس میکردند، برای زیر و رو کردن آن ارزشها و برای پرچیدن هرگونه ستمی، بخصوص ستم جنسی، دلیرانه به پا خاستند.

نتیجه ارائه آن آلترناتیو این شد که یکی مثل آیت الله خمینی توانست سوار بر این آرزوهای ملت ایران، به مسند قدرت رسد (دلایل اقتصادی آن در بخش بعدی مطرح خواهد شد). «اسلام عزیز» که قرار بود بهشت موعود را به ارمان بیآورد، اما وسیله ای گشت برای ارباب و وحشت همان مردمی که با آنهمه شور و هیجان و امید در انتظار فرا رسیدن بهشت موعود، خود را رها شده میپنداشتند، تا دو باره آنها را به زنجیر ستم و پیدادگری کشد.

بهر حال، حضور درصد بالایی از زنان اقشار مختلف جامعه در انقلاب نشانگر آن بود که رژیم سلطنتی در طول ۵۰ سال سلطه اش بر جامعه ایران نتوانسته بود ابتدایی ترین و اساسی ترین حقوق مدنی و اجتماعی توده های عظیمی از اقشار مختلف جامعه ما را تأمین کند. زمانی که در راهپیمایی دوران انقلاب شرکت کردند، پرچمداران مبارزه علیه همه گونه ستم انسان بر انسان بودند، نه فقط ستم جنسی. حضور زنان ما در انقلاب نشانگر تنگ شدن حلقه بی عدالتی در تمام ابعاد زندگی بر گرده توده مردم بود؛ مردمی که هیچگونه ارتباط یا دسترسی (پارتی) به عمال رژیم نداشتند.

زنان ما به علت وجود تبعیض جنسی، در تمام امور زندگی خود، ستم مضاعفی را تحمل میکردند: در دوران رژیم شاه، زنان ایران تنها مورد ضرب و شتم و توهین جسمی و لفظی پدر، برادر (در مواردی عمو یا پدر بزرگ) واقع نمیشدند و تنها این نبود که میبایستی از شوهر خود «تمکین» میکردند و یا طبق قانون (که آن موقع هم اسلامی بود) از گرفتن نفقه محروم میشدند، بلکه زمانی که به نیروی همت خود به هر شکل ممکن با این ستم غیر انسانی مبارزه میکردند، در جامعه چنان دست و پایشان بسته میشد که به تجربه آموخته بودند که بهتر است سکوت کنند و در خانه پدر یا شوهر بمانند تا لاقبل مورد توهین و جسارت از طرف مجریان قانون و اجتماع بیرون قرارنگیرند. زیرا که در برابر ستم و بی حرمتی مردان خانواده، قانونی وجود نداشت که از زن حمایت کند.

با افزایش مدارس و دانشگاهها و اجازه ورود دختران به این اماکن (که خود دلایلی تاریخی و سیاسی داشت)، دختران تحصیل کرده ای که در عمل میدیدند چیزی از جوان هم رده خود کم ندارند، اما باز هم در اجتماع از احترام و حرمت انسانی مساوی برخوردار نیستند، در دل گره هایی از عقده های مبارزه و انتقامجویی را پروراندند و زنان و دختران جوانی که کم کم وارد بازار کار، بخصوص در شهرهای بزرگ، شدند عملاً سوء استفاده کارفرما را از استخدام خود لمس کردند. کارفرما هرکه بود، دستمزد یا حقوقی به مراتب کمتر به آنها پرداخت میکرد تا به هم ردیف مرد آنها. این زنان جوان در برابر دستمزدی که دریافت میکردند، تنها مسنول انجام یک کار مشخص برای کارفرما نبودند، بلکه دائماً با تجاوزات جنسی او مواجه گشته و لذا باید کار را ترک میکردند و یا به خاطر حفظ آن، این بی احترامی را نادیده میگریفتند. نیاز به این دستمزدهای ناکافی و

نابرابر بود که مستقیماً بر روی زندگی روزمره آنها و خانواده اشان تأثیر میگذاشت و علت اصلی تحمل این ستم جنسی میگشت.

رژیم شاه حتی در دوران پیاده کردن «دروازه های تمدن» اش، هرگز نتوانست سطح زندگی توده مردم را (اعم از زن و مرد) به حد رفاه نسبی برساند. در طول آخرین دهه سلطه اش، در حالیکه شرکتهای خارجی روزانه میلیونها دلار از منافع کاری که در واقع کارگران ایران به انجام میرساندند، میبردند و در حالیکه کارمندانشان روزانه حداکثر ۵ یا ۶ ساعت بیشتر کارنمیکردند، اما کارگران و کارکنان ایرانی اعم از زن و مرد، همزمان، یک یا دو شغل دیگر هم داشتند و به قول معروف مجبور بودن برای یک لقمه نان، شبانه روز بدون (بخش بعدی به موارد بیشتر میپردازد).

در آن زمان در حالیکه کارمندان اروپایی و آمریکایی از بهترین ویلاها و آپارتمانهای مبله بهره مند میشدند، مردم زحمتکش ما در محله هایی مانند حلبی آباد بسر میبردند؛ در حالیکه محله هایی مدرن و زیبا در سطح منطقه شمیرانات برای خارجی ها ساخته میشد، دیوار به دیوار دهکده های کوچکی با خانه های گلی به کودکان پابرهنه بومی آن منطقه سرپناه میداد. زنانی که به انقلاب پیوستند، از میان این چنین اقشار جامعه هم میآمدند که بی رحمی طبقاتی، کار را به استخوانشان رسانده بود.

زنان ما علیه تمام این پیدادگری ها و برای رسیدن به آزادی حقیقی انسان که در آن حرمت و آبروی انسان خدشه دار نگردد، انقلاب کردند. زنان ایران حتی آنانکه از خمینی حمایت کردند، بعد از آمدن او به ایران و شنیدن اولین خطابه اش، اعلام داشتند که «ما از او حمایت میکنیم تا جایی که ببینیم، در راه اهداف ما قدم برمیدارد.»

جمهوری اسلامی به سرکردگی خمینی و متکی بر تعصبات مذهبی مردم، اما نه تنها از پس برآوردن وعده های خمینی برنیامد که عملاً از این تعصبات برای سرکوبی نیروی انقلابی و قدرت مبارزه موجود در بطن جامعه، استفاده نمود.

با فراری دادن بنی صدر، رئیس جمهور منتخب، رژیم در حال محکم کردن پایه های خود، بر کلیه ارگانها و نهادهای دولتی پنجه انداخته و بی مهابا چهره کریه و واقعی خود را با برآه انداختن گروه های گشت و کنترل در خیابانها و تحت نظر گرفتن خانه های مردم نشان داد.

از آن پس تا کنون، حدود ۲۴ سال است که کشور ایران به مانند زندان بزرگی در آمده که در آن توده مردم، نه تنها دامن در حال دست و پنجه نرم کردن با زندانبانان میباشند که در نهایت و بر اثر فشارهای غیر قابل تحمل، خود مردم را هم به جان هم انداخته است. در نتیجه آن و بعلت خصلت ستمگری که بر جامعه مستولی است، باز هم زنان ما بیشترین بی رحمی ها را بخاطر زن بودنشان تحمل میکنند.

اما در طول این ۲۴ سال، زنان ما بی تفاوت یا مطیع ننشسته، بلکه بطور مداوم در حال مبارزه با تمام ابعاد زن ستیز این رژیم، به هر وسیله ممکن بوده اند. اما شرایطی که نیروی آنان را در برابر رژیم کنونی تضعیف کرده، یکی آزاری است که زنان جوان ما در خانواده میبینند که باعث فرار آنها از محیط خانواده میگردد. آزار و اذیت جسمی و روحی وارد بر این زنان در حدی است که آنها فرار از خانه و خانواده و پناه آوردن به خیابانها را ترجیح میدهند. این مقوله ایست دردناک که بیش از هر چیز باید راه حلی داشته باشد.

زنان ما روزانه به سه طریق جان خود را از دست میدهند که هیچ ارتباطی با مرگ طبیعی ندارد:

۱- ضرب و شتم در خانه

۲- تجاوز و کشته شدن در خارج از خانه

۳- اعدام

تحمل ما از وضعیت کنونی، موقعیت را برای این نوع جنایات مهیاتر میسازد. برچیده شدن سنگسار زنان به دلایل فشارهای بین المللی بر رژیم، کافی نیست. زنان ایران آمادگی و توان پرچیدن هرگونه ستمی را دارند.

برنامه ای بنام «حالا دموکراسی»، از ایستگاه رادیو - تلویزیون آمریکایی در ژنو، فاش نمود.

روزنامه برلینی «دی تاکس زایتونگ» قرار است بزودی لیست کامل داده شده از طرف عراق را که شامل تمام شرکتها و کشورهای دست اندرکار است، چاپ نماید.

اطلاعاتی که «زوماخ» بدست آورده است، بخش بسیار محرمانه ای از گزارش ۱۲۰۰۰ صفحه ای میباشد که عراق تهیه کرده، ولی آمریکا آنرا از دید اعضای غیر ثابت «شورای امنیت» سازمان ملل پنهان داشته است.

زوماخ میگوید که بطور کلی هر کاری که برای مسلح کردن عراق به سلاحهای اتمی و شیمیایی انجام شده، غیر قانونی بوده است، زیرا که اینگونه همکاریها و امکانات از دهه ۱۹۷۰ به بعد، ممنوع و غیر قانونی گشت.

زوماخ در گزارش خود آورده است که در کنار این شرکتها بزرگ، وزارت دفاع، وزارت نیرو، وزارت بازرگانی و وزارت کشاورزی آمریکا و آزمایشگاههای اتمی آن کشور مثل «لارنس لیورمور»، «لوس آلاموس» و «ساندیا» به دانشمندان عراقی که به آمریکا میآمدند تا دوره ببینند، آموزش میداد.

این گزارش ۱۲۰۰۰ صفحه ای، چند هفته پیش در دو کپی از طرف عراق به «شورای امنیت» سازمان ملل و به «موسسه بین المللی انرژی اتمی» در ژنو داده شد. آمریکا برای بدست این گزارش، به دولت کلمبیا باج داده تا نماینده او که رئیس «شورای امنیت» سازمان ملل است، قسمت اول خبر را از بقیه گزارش جدا نموده و به اعضای غیر ثابت سازمان ملل نشان نهد.

اخبار کارگری در یک ماه گذشته

* قوانینی که به تازگی در مجلس به تصویب میرسند، به نفع جامعه کارگری کشور نیستند:

در تاریخ ۱۳۸۱/۰۹/۲۴ علی محمد دهقان، دبیر اجرایی خانه کارگر استان یزد در گفتگو با خبرنگار اقتصاد کار خبرگزاری دانشجویان ایران گفت: با اجرای بند ((ب)) قانون بازرگانی و نوسازی صنایع، بسیاری از کارگران رسمی بیکار می شوند.

وی با بیان اینکه گروهی از صاحب نظران، خارج شدن کارگاه های زیر پنج نفر از شمول قانون کار و قراردادهای موقت کار را فراهم آورنده زمینه های اشتغال معرفی می کنند، گفت: نه تنها هدفهای این کارشناسان با تدوین این قوانین تحقق نیافت، بلکه بر مشکلات موجود نیز اضافه شد.

به گفته وی انعقاد قراردادهای موقت که در حال تحقق در ادارات دولتی است، باعث افزایش مشکلات کارگران خواهد شد، چرا که این قراردادها موجب تضمین شغلی کارگران نمی شود وی با این توضیح که قانون کار در مناطق آزاد حاکم نیست، ولی مشکلات آنها همچنان پابرجاست، اظهار داشت: قانون کار پدید آورنده این مشکلات نیست و باید برای حل آنها فکری اساسی شود.

* تصویب لایحه تجمیع عوارض موجب افزایش بیکاری و ظلم به قشر آسیب پذیر جامعه خواهد شد:

تشکیلات گیلان خانه کارگر جمهوری اسلامی ایران با اعلام این مطلب در نامه ای خطاب به جنتی، دبیر شورای نگهبان اعلام کرده است: تصویب لایحه تجمیع عوارض موجب افزایش بیکاری و ظلم به قشر آسیب پذیر جامعه خواهد شد.

ریاکاری آمریکا در مورد گزارشات عراق در زمینه اسلحه

دلیل اینکه آمریکا گزارشات تهیه شده بوسیله عراق را در مورد اسلحه شیمیایی و اتمی موجود در آن کشور، پنهان کرده و دائم از ناکافی بودن آنها شکایت دارد، اینستکه شماری از شرکتهای بزرگ آمریکایی و اروپایی در مجهز کردن عراق بطور غیر قانونی به آن سلاحها، نقش موثر و فعال داشته است و اینها همه در گزارش عراق آمده است. لیست شرکتهای آمریکایی در سایت زیر موجود میباشد:

<http://www.thruthought.org/docs/۲/۱۲,۲۱A.us.firms.ir.aq.htm>

برخی از شرکتهایی که نامشان در لیست آورده شده از این قرار است:

- ۱- شرکت هانی ول
- ۲- شرکت اسپکترا فیزیکز
- ۳- شرکت سمتکس
- ۴- شرکت ت ای کوتینگ
- ۵- شرکت یونی سیس
- ۶- شرکت اسپری
- ۷- شرکت تکنرونیکس
- ۸- شرکت روک ول
- ۹- شرکت لی بلد و کیوم سیستم
- ۱۰- شرکت فی نی گن -
- ۱۱- شرکت هیولت - پاکارد
- ۱۲- شرکت دو پون
- ۱۳- شرکت ایستمن کداک
- ۱۴- کلکسیون فرهنگی نوع آمریکایی
- ۱۵- شرکت الکو لاک بین المللی
- ۱۶- شرکت کونسارک
- ۱۷- شرکت کارل زایس
- ۱۸- شرکت سربروس
- ۱۹- شرکت الکترونیک اسوشینت
- ۲۰- شرکت انترناسیونال کامپیوتر سیستم
- ۲۱- شرکت بکتل
- ۲۲- شرکت ا- ز لوژیک داتا سیستم
- ۲۳- شرمت صنایع کان برا
- ۲۴- شرکت آکسل الکترونیکز

از سایت:

<http://www.democracynow.org/Zumach.htm>

چهارشنبه ۱۸ دسامبر ۲۰۰۲

گزارشی از عراق که بوسیله آمریکا خیلی محرمانه نگهداشته شده است، نشان میدهد که شرکتهای آمریکایی، بخشهای دولتی و آزمایشگاههای اتمی این کشور بطور غیر قانونی در مسلح کردن عراق دخالت داشته اند.

شرکتهای بزرگی مانند «هیولت پاکارد»، «دو پان»، «هانی ول» و بخشهای دولتی از جمله «وزارت دفاع» و آزمایشگاههای اتمی آمریکا، جملگی دست به دست هم داده و به عراق کمک کردند تا برنامه های ساختن اسلحه شیمیایی و اتمی را پیاده کند.

روز چهارشنبه ۱۸ دسامبر، «آندره آس زوماخ» خبرنگار روزنامه «دی تاکس زایتونگ» از مرکز خبری خود در ژنو، این خبر را در

اعتراضی در خیابان چمران صورت دادند. کارگران این کارخانه بیش از شش ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده اند. این تجمع بعد از اعتراضات مکرر آنها به عدم پرداخت دستمزدهایشان صورت می گیرد. با ادامه اعتراض کارگران یکی از اعضای هیئت مدیره کارخانه به جمع کارگران آمده و توضیحاتی داد و سعی کرد که کارگران را با وعده و وعید و توجیحات مختلف به سر کار برگرداند. اما کارگران یک صدا بر علیه او شعار می داده و او را دروغگو خواندند. کارگران با تأکید بر ادامه اعتراضات خود محل را ترک کردند.

* کارخانه (طوطیای خوی) با نود کارگر تعطیل می شود:

سرویس اقتصادی ایسنا گزارش داد که طبق گفته مدیر عامل شرکت شهید خوی کارخانه طوطیای این شهر قریب الوقوع تعطیل خواهد شد. بنا به گزارش ایسنا به تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۱ اخباری در گفتگو با خبرنگار اقتصادی ایسنا در مورد این تصمیم گفت: فشارهای مختلف، عوارض گوناگون، جرایم سنگین احتمالی و ناتوانی در رقابت با سایر کارخانه های مشابه از دلایل این تصمیم است. وی با بیان اینکه، در سه سال گذشته کارخانه بیش از ۶۰۰ میلیون ضرر داده است، افزود: چون این کارخانه بخشی از کارخانه قند خوی است، تمام زیانهای آن از محل درآمدهای کارخانه قند خوی پرداخت می شود، اما برای کارخانه ای که سهامدارانش کشاورزان و کارگران هستند، این ضرر غیر قابل تحمل است.

وی در پاسخ به سؤال در مورد آینده کارگران این کارخانه اظهار داشت: در این کارخانه ۹۰ نفر مشغول کار هستند که پس از تعطیلی کارخانه حدود ۶۰ نفر با تخصصهای لازم جذب کارخانه قند میشوند و مابقی نیز که بیشتر آنها زن با سن بالای ۴۰ سال و فاقد کارایی لازمند، باز خرید خواهند شد.

وی در پایان اعلام کرد: کارخانه بتدریج تا پایان سال مالی و اتمام مواد اولیه در انبارها تعطیل خواهد شد. کارخانه طوطیای خوی بیسکویت، تافی و آبنبات تولید می کند که به مصرف داخلی می رسد.

* اظهارات رئیس کارخانه قند میانداوب در پاسخ به اعتصاب کارگران:

اکبر نجاران خیرآبادی، رئیس کارخانه قند میانداوب به دنبال اعتصاب کارگران فصلی این کارخانه در گفتگو با خبرنگار اقتصادی ایسنا افزود: طرح طبقه بندی مشاغل برای نخستین بار در کارخانه قند میانداوب اجرا شده است. وی باتاکید بر لزوم بیان هرگونه اعتراضی از مجاری قانونی گفت: از سوی مسئولان کارخانه دستور صادر شده مبنی بر اینکه اگر کارگران اعتراض دارند کتبا به دفتر اداری این کارخانه تحویل دهند یا در خصوص مواردی که در خصوص آن ابهام دارند موضوع را از مبادی قانونی آن پیگیری کنند.

رئیس کارخانه قند میانداوب در تشریح اینکه چه اقداماتی برای جلب رضایت کارگران صورت پذیرفته گفت: با توجه به اینکه برای اولین بار طرح طبقه بندی مشاغل کارگران فصلی اجرا شده است باید با همفکری و تامل بیشتری در جهت تکمیل آن، اقدامهای مقتضی صورت گیرد و بدون شك مسئولان مربوطه باید با جمع آوری درخواستهای کارگران نسبت به تکمیل آن اقدام کنند. وی تصریح کرد: پیگیریهای لازم در این خصوص از طریق اداره کار شهرستان میانداوب در حال انجام می باشد. بنا به اظهارات مسئولان کارخانه کارگران با ترک اعتصاب دو روزه خود به سر کار برگشته و کارخانه در آرامش کامل به فعالیت مشغول است، و نیروهای یگان ویژه در برخی مسیرهای منتهی به کارخانه مستقر هستند. همچنین حمید شکر فرماندار میانداوب خبر از بررسی موضوع اعتصاب کارگران کارخانه قند این شهر توسط هیات اعزامی وزارت کار داد. وی گفت: این هیات موضوع اعتراض کارگران به طرح طبقه بندی مشاغل اعمال شده در این کارخانه را بررسی خواهد کرد.

در این نامه با اشاره به اینکه گروهی قانون کار را ضد تولید معرفی می کنند و معتقدند که حمایتهای بی رویه قانون کار، امنیت سرمایه گذاری را از سرمایه گذاران سلب کرده است، گفته شده است: آیا کسی نیست که بتواند این به اصطلاح سنگینی ضربات قانون کار را نسبت به تولید و طوفان مخوف و وحشتناک واردات که کالاهای داخلی را نابود ساخته، رعب و وحشت بر دل هر سرمایه داری کاشته و فقر و بدبختی و ماه ها بدون حقوق ماندن نیروی کار را به ارمغان آورده است و می آورد حساب کند؟

این تشکیلات با این توضیح که تقلیل مالیاتهای واردات کالا بدون تخفیف مالیاتهای تولید کننده، خلاف عدالت اجتماعی و سبیلی مستقیمی بر پیکره اشتغال کشور است، درخواست کرده است تا دبیر شورای نگهبان به هر طریق ممکن از تأیید و تصویب آن جلوگیری و ممانعت به عمل آورد.

* اعتراض کارگران بخش بافندگی کارخانجات نساجی خوی:

بنا به گزارش ایسنا در تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۰۷ جمعی از کارگران کارخانجات نساجی شهرستان خوی در اعتراض به تحقق نیافتن خواسته های خود روز دوشنبه هفته گذشته دست از کار کشیدند. به گزارش ایسنا، یکی از کارگران در مورد اعتراض گفت: همزمان با تغییر در مدیریت کارخانه و ورود مدیریت جدید شایعه تعدیل حدود ۱۷۰ نفر از کارگران صنایع نساجی بر سر زیانها افتاد و همچنین عنوان شد که کارخانه نساجی خوی به شرکت آتیه دماوند واگذار شده است. طبق مصوبه هیات مدیره همه قراردادهای کاری کارگران از یک سال به شش ماه تقلیل خواهد یافت. از طرف دیگر پرداخت نشدن پاداش به کارگران از سال ۸۰ تا کنون موجب شد کارگران بخش بافندگی در عصر روز دوشنبه دست از کار کشیده و خواسته های خود را بیان کنند و اعلام کردند همه قراردادهای همچون سابق باید یک ساله تنظیم شوند، پاداش بهره وری کارگران پرداخت شود، حقوق ماهانه کارگران در وقت مقرر پرداخت شود.

با حضور نمایندگان اداره کار استان و فرمانداری خوی و مذاکره با کارگران مقرر شد در عرض ۱۰ روز آینده نسبت به تحقق خواسته های کارگران اقدام شود. لازم به تذکر است جمعی از کارگران بخش ریسندگی هم در حمایت از کارگران بخش بافندگی روز سه شنبه حدود دو ساعت دست از کار کشیدند که با حضور نماینده شورای اسلامی کارگران و صحبت وی این تجمع پایان یافت و کلیه کارگران به سر کار خود برگشتند.

* تظاهرات کارگری در گیلان:

بنا به گزارش منابع خبری روز چهارم دیماه کارگران چینی گیلان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان در برابر استانداری گیلان تجمع کردند و دست به اعتراض زدند. در این اجتماع بیش از دویست نفر از کارگران شرکت داشتند و خواهان این بودند که مسئولین استان به خواسته های آنها رسیدگی کنند. با ادامه اعتراض کارگران، رئیس سازمان صنایع و معادن استان در جمع کارگران حضور یافت و تلاش کرد کارگران را با وعده و وعید به خانه بفرستد اما کارگران اعلام کردند که وعده مشکلات آنها را حل نمی کند و دستمزد های معوقه آنان باید هرچه زودتر پرداخت شود.

بنا بر همین گزارش بعد از سخنان رئیس سازمان صنایع اعتراضات شدت بیشتری گرفت و کارگران خیابان مقابل استانداری را بستند و در مورد خواسته های خود به رهگذران توضیح دادند. نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی که منطقه را به کنترل خود در آورده بودند به کارگران یورش آورده و چند تن از کارگران در این تهاجم زخمی گردیدند.

* تظاهرات کارگری در یزد:

بنا به گزارش منابع اپوزیسیون در چهارم دیماه کارگران کارخانجات درخشان یزد نیز در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان تجمعی

انسانی در کوتاه مدت دچار مشکل و نگرانی شود، اما در درازمدت جنبش کارگری می‌تواند خودش را با واقعیت پذیرش این حرکت منطبق کند.

* کارگران لوله سازی اهواز همچنان به دنبال مطالبات خود هستند:

خبرگزاری دانشجویان سرویس اقتصادی ۱۰/۱۰/۱۳۸۱: تعدادی از کارگران شرکت لوله سازی اهواز در ادامه اعتراضات چند ماهه خود نسبت به پرداخت نشدن حقوقشان، در اهواز راهپیمایی کردند. کارگران که حدود ۱۰۰ نفر بودند اقدام به راهپیمایی در حوالی چهارراه سلمان فارسی شهر اهواز کرده و با دادن شعار خواستار پرداخت حقوقشان شدند.

این گزارش می‌افزاید با شروع راه پیمایی کارگران لوله سازی مأموران انتظامی بلافاصله در محل حاضر و با سه دستگاه اتوبوس اقدام به جمع آوری راهپیمایی کنندگان کردند.

* تجمع اعتراض آمیز کارگران شرکت صنایع فرو آلیاژ در انزا:

به گزارش کیهان بتاريخ یکشنبه ۱۵ دی ماه کارگران شرکت صنایع فرو آلیاژ انزا در اعتراض به عدم توجه مسئولان کارخانه نسبت به خواسته های کارگران در این تجمع که از فرماندار و نماینده مردم در مجلس نیز دعوت شده بود خواستار این شدند که: اجرای طرح توسعه کارخانه در قرارداد فروش کارخانه ذکر شود تا کارخانه در هر شرایطی به کار خود ادامه دهد، همچنین واگذاری سهام کارخانه به کارکنان طبق قانون و عرف شرکتها در نظر گرفته و سنوات خدمتی کارگران به صورت توافقی مشخص و در ذخیره سنواتی به خریدار واگذار شود.

در این تجمع عبدالوند نماینده مردم انزا گفت: با توجه به اینکه خصوصی سازی از برنامه های دولت و تصویب مجامع قانونی است باید از آن استقبال کرد. وی در پایان افزود از طریق قانون و مراجع ذیصلاح مسائل و مشکلات شما را پیگیری می‌کنیم.

بابک سپهری
۲۰ دی ۱۳۸۱

ⁱ - برای مطالعه فراتر رجوع شود به کتاب «سرمایه داری پسین» Late Capitalism نوشته ارنست مندل؛ چاپ لندن ۱۹۷۵

ⁱⁱ - نتایج این جهت گیری منجر به تحولات عمده ای در ایران شد که در مقالات آتی به آن اشاره می‌شود.

ⁱⁱⁱ - کتاب سرمایه داری پسین اثر ارنست مندل، به نقل از سمیر امین

^{iv} - تأثیرات دخالت‌های امپریالیزم در اقتصاد ایران نیز چنین بوده است. به این مبحث در مقالات آتی پرداخته خواهد شد.

^v - رجوع شود به «نقش شوراهای کارگری در انقلاب آتی»، سایت <http://www.kargar.org>

^{vi} - رجوع شود به مقاله «مقدمه ای بر ساخت اجتماعی-اقتصادی ایران»، شهروند شماره ۷۴۲-۶ دسامبر ۲۰۰۲.

^{vii} - اینگونه ارزیابی‌ها از شخصیت کارل مارکس نیز اشتباه است. کارل مارکس یک محقق یا «متفکر و اقتصاد دان» صرف نبود بلکه او یک انقلابی و فعال جنبش کارگری بود که برای یافتن پایه های نظری نظام سرمایه داری و فراهم آوری سلاح مبارزه و سرنگونی آن دست به تحقیق زد.

^{viii} - رجوع شود به مقاله «شیخ کمونیزم» در قرن ۲۱، م. رازی؛ دیدگاه سوسیالیزم انقلابی شماره ۴ به مناسبت ۱۵۰ امین سالگرد مانیفست کمونیست، زمستان ۱۹۹۸.

^{ix} - رجوع شود به «الفبای مارکسیزم» اثر ارنست مندل. http://www.roshangaran.org/pdf/tarikh/archiv_lt.htm

* کارگران بیکار شده شهرداری تهران را در بدترین وضعیت معیشتی قرار داده است:

به گزارش سرویس اقتصادی ایسنا بتاريخ ۱۰/۱۰/۱۳۸۱ کارگران بیکار شده شهرداری تهران با ارسال نامه‌ای به دفتر رئیس‌جمهور اعلام کرده‌اند که بسیاری از این کارگران به دلیل بیکاری به تکیه گری، دورمگردی، دست‌فروشی و حتی اعتیاد روی آورده‌اند و خانواده‌های آنها در آستانه فروپاشی قرار گرفته است. در این نامه با اشاره به اینکه شهرداری تهران در سال ۷۴، خارج از چارچوب قانونی و بخشنامه‌ای کارگران را به اجبار و اکراه بیکار کرد که مراتب از طریق چهار مرجع قانونی یعنی دیوان عدالت اداری، وزارت کار و امور اجتماعی، کمیسیون اصل ۹۰ و مجتمع قضایی رسیدگی به جرایم کارکنان دولت مورد پیگیری و شکایت قرار گرفت، آمده است: به دنبال پیگیریهای انجام شده، مشخص شد که مصوبه فوق‌الاشاره از سوی شورای عالی اداری، شامل مؤسسات و شرکتهای دولتی بوده است و به هیچ وجه شامل مؤسسات غیردولتی از جمله شهرداری نمی‌شود.

کارگران بیکار شده شهرداری در نامه خود آورده‌اند: برای احقاق حقوق خود به شهرداری تهران بویژه شورای شهر مراجعه کردیم که در نهایت شورای شهر در یکصد و هشتاد و دومین جلسه علنی خود در هفدهم مهر ماه سال ۸۰، طرح یک فوریتی کمک به کارگران بیکار شده شهرداری تهران را به تصویب رساند، ولی از آن تاریخ تاکنون به علت اختلاف بین شورای شهر و شهرداری تهران به مشکلات کارگران رسیدگی نشده است طبق این نامه، بی‌توجهی و رسیدگی نکردن به مشکلات کارگران شهرداری باعث شده است تا آنها نتوانند تقاضای بازنشستگی پیش از موعد خود را به وزارت کار تقدیم کنند.

* عبدالرحمان تاج الدین: تأثیر تشکل های کارگری در تحولات اجتماعی، سیاسی:

عبدالرحمان تاج الدین ۱۰/۱۰/۱۳۸۱: نماینده مردم اصفهان و عضو کمیسیون اجتماعی در مجلس شورای اسلامی در گفت و گو با خبرنگار سرویس پارلمانی ایسنا با بیان این مطلب درباره‌ی تشکل‌های کارگری و تاثیر آن در تحولات اجتماعی و سیاسی، اظهار داشت: در همه جای دنیا تشکل‌های کارگری پیرامون مسایل صنفی کارگری شکل گرفته و تعریف پیدا می‌کند و این تشکل‌ها تلاش می‌کنند با پیگیری و دنبال کردن اهداف خودشان، بیشتر مسایل صنفی را در راستای صیانت از حقوق نیروی کار محقق کنند، وی گفت: با نگاهی به نظام نو انقلاب اسلامی، می‌توان فهمید که یکی از ارکان اساسی، تأثیرگذار و مهم که موجب فروپاشی نظام شاه شد، حرکت و جنبش کارگری بود که از کارگران صنعت نفت، آغاز و به دیگر واحدها کشیده شد و نهایتاً موجب فلج کردن شاه‌رگ حیاتی نظام ستم شاهی، یعنی بخش اقتصادی شد.

نماینده‌ی مردم اصفهان در پاسخ به این سوال که آیا می‌توان قوانین و شروط حاکم بر تشکل‌های کارگری در سطح بین‌المللی را به تشکل‌های کارگری ایران تسری داد؟ عنوان کرد: ضمن این‌که تشکلات کارگری ما یک سلسله ارتباطات با سایر تشکل‌های کارگری دنیا دارد و به هر حال تأمل و آمد و شد با سایر کشورها داریم و هیات‌های مختلف از سایر کشورها به کشور ما می‌آیند و هیات‌هایی هم از کشور ما به منظور تبادل نظر به کشورهای دیگر می‌روند. همچنین ما یکی از اعضای اتحادیه بین‌المللی کار ILO هستیم، اما این‌که هرآنچه که جنبش‌های دیگر کشورها می‌گویند ما هم بگوئیم، بحث متفاوتی است.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس با بیان اینکه زمان پیوستن به سازمان تجارت جهانی (WTO) در کشور ما هنوز مبهم است، تأکید کرد: طبیعتاً باید به سمت پیوستن به این سازمان پیش برویم و حتماً دولت بایستی به منظور تنظیم تعادل در بازار کار و صیانت از نیروی کار و حفظ حقوق آن، هزینه‌های پیوستن به این سازمان بین‌المللی را پرداخت کند. یعنی هزینه‌های اجتماعی ناشی از پذیرش این تعهد بین‌المللی از الزامات دولت است که پذیرش آن باید حلاًء پدید آمده از پیوستن ایران به سازمان‌های جهانی را بر کرده، پوشش دهد و اجازه ندهد که نیروی